گفت‌وگوی پاسارگاد با رییس آموزش‌وپرورش سیرجان

گرفتن شهریه اجباری کاهش داشته است

عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

ناصر صبحی

هر سال با آغاز ثبت‌نام دانش‌آموزان برای سال تحصیلی جدید، بحث گرفتن شهریه از طرف مدارس دولتی داغ می‌شود. کمک‌های مردمی به مدارس دولتی همیشه وجود داشته اما در سال‌های اخیر شکلی از اجبار به خود گرفته. حتا خبر می‌رسد که برخی از مدارس شرط ثبت‌نام را پرداخت شهریه عنوان نموده‌اند. موضوعی که از نظر رییس آموزش‌وپرورش سیرجان تخلف است و در صورت مشاهده یا گزارش، پیگیری خواهد شد. اکبر محیاپور معتقد است بنابر خلاف تصور ما، میزان اجبار به گرفتن شهریه از زمان تصدی وی در آموزش‌وپرورش شهرستان، منحنی کاهشی داشته و شاهد آن را مراجعات مردمی زیاد در ابتدای مسئولیت خویش و کم شدن این مراجعات در سال‌های بعدی می‌داند. او می‌گوید که امسال شاید کمتر از ۱۰ مورد به او گزارش و پیام پیرامون شهریه اجباری داده شده است.

با این وجود، یک نکته ظریف در سخنان محیاپور وجود دارد؛ او همیشه در مقابل پرسش وجود شهریه اجباری، ابتدا ممنوعیت این کار را متذکر می‌شد و بعد به بحث لزوم کمک‌های مردمی برای بقای مدارس دولتی می‌پرداخت اما این بار ابتدا وضعیت بدمالی مدارس دولتی را تشریح کرد و سپس از ممنوعیت قانونی شهریه اجباری سخن گفت. او هرچند کل مبالغ کمک‌های مردمی به مدارس دولتی را ناچیز می‌داند اما تاکید دارد اگر این کمک‌ها نبود، مدارس دولتی تعطیل می‌شدند. چون حتا از پس هزینه قبوض آب، برق و گاز خویش هم برنمی‌آمدند

مصاحبه ما با رییس آموزش‌وپرورش شهرستان سیرجان به دلیل ماهیت بحث شهریه اجباری و تاکید او بر محدود بودن این مسئله، در نهایت موجب شد تا ترجیح دهیم موضوع صحبت را گسترده و مباحث دیگری را نیز مطرح کنیم.

ما امسال هم همچنان با مدارس دولتی که شهریه اجباری می‌گیرند، مواجه هستیم. جدا از مراجعات مردمی و پیام به نشریات، مطابق تحقیقات خود به مدارسی رسیدیم که مبالغی از ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان را به صورت اجبار از والدین دریافت کردند.

بخشی از مدارس دولتی مثل مدارس تیزهوشان، نمونه، شاهد و هیات امنایی شهریه مصوب دارند. شهریه‌شان هم قانونی است. البته ما اجازه تخفیف هم بهشان دادیم و گفتیم از دانش‌آموزانی که تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند، چیزی دریافت نکنند. مدارس دولتی حق دریافت شهریه ندارند و فقط دریافت پول کتاب و بیمه اجباری است اما ما در سال‌های اخیر یک مشکل داریم؛ دولت هیچ سرانه‌ای به مدارس اختصاص نداده. از طرفی قرار بود حامل‌های انرژی رایگان باشد، مجلس مصوب کرد ولی محقق نشد چون الگوی مصرفی که تعریف کردند عملا شامل هیچ مدرسه‌ای حتا مدرسه‌ای که ۴ تا دانش‌آموز داشت، هم نمی‌شد.

مگر چگونه این قانون را تعریف کردند که شامل هیچ مدرسه‌ای نشده؟

در کشور ما واقعا مبلغ هزینه‌های انرژی خیلی کلان است. شاید اگر قرار بود آن نهادهای ذیربط این پول را نگیرند دچار مشکلاتی می‌شدند. آمدند الگوی مصرفی تعیین کردند که هیچ‌کس در دایره این الگوی مصرف قرار نگرفت. حتی به ما نامه نوشتند که هیچ کدام از مدارس شما شامل حال‌شان نمی‌شود.

شما برای پیگیری موضوع باید به کجا رجوع می‌کردید؟

ادارات گاز و برق. ما بیشترین مسئله‌ای که داریم راجع به هزینه برق و گاز است چون حقیقتا هزینه آب خیلی بالا نیست. این موضوع فقط مربوط به سیرجان نبود، کل کشور همین شرایط را داشتند. یعنی ساز و کاری برای اجرایی شدن این مصوبه اندیشیده نشده است.

یعنی به عمد این کار را کرده بودند؟

هدف، رایگان شدن بود. شاید می‌بایست اعتباری دیده شود. شاید می‌بایست مسئله کارشناسی‌تر دیده شود. این‌طور نبود که در سیرجان با ما همکاری نکنند، جاهای دیگر هم اجرایی نشد.

به طور مثال، هزینه برق مدارس در ماه چقدر می‌شود؟

من نمی‌دانم. آن‌ها یک الگو طراحی کردند که ما هم اطلاعی از الگوی و سیستم‌های‌شان نداریم. مثلا فرض کنید ممکن است ۱۵ سال پیش رفته‌اند و برای یک مدرسه به عنوان پنجاه نفر دانش‌آموز امتیاز آب، برق یا گاز گرفتند. این آمارها امروز دیگر واقعی نیست و هر سال تغییر می‌کند. ممکن است الگوی بعدی‌شان بر اساس متراژ مدارس باشد اما در خیلی از مدرسه‌ها آن‌قدر ساخت و ساز شده که متراژهای‌شان تغییر کرده. ببینید، من نمی‌دانم بر چه اساسی اما وزارت نیرو یا ادارات زیرمجموعه الگوهایی را تعریف کردند و بعد به ما اعلام کردند که مثلا مدارس شما در این الگو نمی‌گنجد.

گفتید این الگو متعلق به ۱۵ سال پیش است؟

نمی‌گویم حتما این‌گونه است. من این را مثال زدم که مدرسه‌ای مثلا ۱۵ سال پیش آمده و امتیاز برق و گاز گرفته یا اصلا فرض کنید مدرسه‌ای امروز امتیاز گرفته و ممکن است الان متراژ این مدرسه ۴۰۰ متر مربع باشد اما سال بعد ممکن است ما یک سالن ۱۵۰ متری هم بسازیم و زیربنایش به ۵۵۰ متر مربع تغییر می‌کند. اگر اشتباه نکنم فکر می‌کنم یکی جمعیت و دیگری مساحت بنا باشد. من نمی‌دانم حالا الگوها یا آیتم‌های دیگری هم هست یا نه؛ خبر ندارم اما به هر شکل ممکن، مدارس ما شامل‌شان نمی‌شود. واقعیت امر این است که اگر مردم به ما کمک نکنند ما واقعا همین هزینه آب و برق مدرسه را هم نمی‌توانیم تامین کنیم ولی با همه این مشکلات به مدیران مدارس‌مان توصیه و تاکید کردیم که هیچکس حق ندارد ریالی به اجبار از مردم بگیرد. مدیر مدرسه باید با کمک انجمن اولیا و مربیان مسایل و مشکلات مدرسه را برای مردم بازگو کند تا خانواده‌هایی که تمایل دارند کمک کنند. در بحث شهریه اجباری من نمی‌گویم شاکی نداریم ولی در پنج سالی که من دارم کار می‌کنم، شاکی‌های‌مان بسیار کم شدند.

سال اول چه میزان شکایت داشتید؟

تعدادش را در ذهنم ندارم ولی مراجعه‌کننده‌های ما زیاد بودند، پیامک‌هایی که برای من می‌آمد و تلفن‌هایی که می‌شد، زیاد بود.

و در این پنج سال موفق به کاهش چند درصد این شکایات شدید؟

خیلی. ما الان ۷۰ هزار نفر دانش‌آموز داریم و در حال حاضر، تعداد شکایاتی که به خود من چه به صورت پیامکی، چه تلفنی و چه حضوری شده، به ۱۰ نفر هم نرسیده. خب این نشان می‌دهد که مدیران مدارس توانستند با مردم ارتباط برقرار کنند و واقعیات را بگویند. اتفاقا امسال توی جلسه اخیری که با بازرسی‌مان داشتیم، آنجا خواستیم بازرسی با سه تا از مدیران خاطی برخورد کند. حتا حضوری دعوت شدند. تذکر هم داده شد.

در کل مدارس فقط سه مدیر تخلف داشتند؟

ببینید ما حول و حوش ۳۰۰ مدرسه دولتی داریم. بازرسی به ما گزارش داد که سه تا مدیر مدرسه شاکی دارند. ما فوری احضارشان کردیم و برخورد شد. این پولی که مدارس از مردم می‌گیرند واقعا ناچیز است اما واقعیت امر این است که اگر کمک مردم نباشد، مدرسه اداره نمی‌شود. ما به حمایت و کمک مردم نیاز داریم و من از مردم تشکر می‌کنم. توی همین چند سالی که من به عنوان رییس آموزش‌وپرورش بودم نزدیک به ۴۰ تا مدرسه را مردم ساختند و تحویل ما دادند. همین الان که من اینجا نشستم ۲۵ تا پروژه مدرسه‌سازی توسط خیرین در حال اجرا است. واقعیت این است که عمده هزینه‌ها و کمک‌های ما به صورت خیریه و داوطلبانه است. خیلی از مردم هستند که می‌آیند و فرش نمازخانه را می‌دهند، خیلی از والدین هستند که می‌آیند و مدرسه را رنگ می‌زنند، خیلی از جاها هست که شرکت‌ها می‌آیند و ایزوگام مدرسه را درست می‌کنند یا دهیاری‌ها در روستاها و شوراها در شهر کمک می‌کنند. ما عمده هزینه‌ها و مخارج را این‌گونه تأمین می‌کنیم. حالا آن پولی که از مردم گرفته می‌شود، پول آب و برق و گاز مدرسه هم نمی‌شود. با این حال هر که مراجعه کرده یا به اصطلاح اجباری را عنوان کرده، ما واقعا با عامل برخورد کردیم.

گفتید میزان شهریه مدارس تیزهوشان، نمونه و شاهد مشخص است؟

بله البته از مقطعی به مقطع دیگر متفاوت است. در کل همان شهریه پارسال ۱۵ درصد افزایش داشته است.

اما طبق اطلاعاتی که به دست آورده‌ام، مدرسه[...] چهارده میلیون تومان پول بابت ثبت‌نام (برای تمام مقاطع اما به صورت یک‌جا) درخواست کرده است.

این رقم واقعیت ندارد. نمی‌تواند چنین رقمی باشد.

مدرسه‌ای که نام بردم برای افراد خاصی است ولی من نوعی اگر بخواهم وارد شوم باید شهریه بدهم؟

شما امتیاز می‌آورید، نه اینکه شهریه بدهید. همه که پذیرش نمی‌شوند. امتیازبندی دارد. اگر فردی پذیرش شود باید اول شهریه بدهد.

این مدارس از دولت هم کمک می‌گیرند؟

تنها کمکی که از دولت می‌گیرند، معلم‌شان است وگرنه هیچ پول دیگری از دولت دریافت نمی‌کنند. اعتبارات دولتی بسیار ناچیز است. یعنی اگر اعتباری باشد، می‌توانیم بدهیم اما اعتباری نیست. وقتی هم می‌آید آن‌قدر ناچیز است که مبلغش بیش از اختصاص به مدارس روستایی و حاشیه‌ای نمی‌شود. به همین دلیل به مدارس خاصی که شهریه می‌گیرند، یک ریال هم نمی‌دهیم. نمی‌توانیم که بدهیم. این انتظار هست که مردم کمک بکنند اما هیچ کس را اجبار نمی‌کنیم. با همه مشکلات و اعتبارات کم‌مان مدارس را می‌چرخانیم ولی وقتی مردم کمک کنند، می‌توانیم خدمات بهتری ارایه دهیم. من هم اینجا به همه والدین و خانواده‌ها اعلام می‌کنم اگر کوچک‌ترین موردی از اجبار و یا تحمیل شهریه وجود داشت، به ما مراجعه کنند. ما با مدیر مدرسه برخورد خواهیم کرد.

مدارسی وجود دارند که می‌گویند تا پرداخت نکردن شهریه، دانش‌آموز را ثبت‌نام نمی‌کنیم

مردم گزارش بدهند. ما برخورد جدی میکنیم.

اگر برای کمک به مدرسه درخواست پول نقد شود یا واریز به حسابی غیر از حساب رسمی مدرسه باشد، جرم است؟

پول باید حتما به حساب مدرسه واریز شود و آن فیش حقوقی هم توی پرونده دانش‌آموز موجود باشد. در چارچوب مقرراتی که هست گرفتن پول دستی به هر شکل ممنوع است.

به حساب رییس مدرسه هم نباید واریز شود؟

آن که دیگر خیلی مسئله دارد. اصلا در سیستم‌های دولتی جایگاهی ندارد. فقط باید به حساب مدرسه واریز شود.

به برخی از مدارس غیردولتی که مراجعه کردیم، متوجه شدیم تعدادی فقط شهریه می‌گیرند اما تعدادی تحت عنوان کلاس‌های فوق‌برنامه مبلغ بیشتری دریافت می‌کنند.

شهریه‌ها که متفاوت است. ما پوستر اطلاع‌رسانی میزان شهریه در مدرسه داریم. ممکن است شهریه مدرسه‌ای یک میلیون و پانصد و مدرسه‌ای در خیابان آن طرفی یک میلیون و هشتصد تومان باشد. ولی علاوه بر شهریه، بعضی از مدارس یک سری وجوه دریافت می‌کنند. مثل کرایه سرویس، پول صبحانه یا کلاس‌های فوق‌برنامه که این‌ها به هیچ وجه اجبار برای کسی ندارند.

ولی برخی مدارس این هزینه‌ها را به نوعی جزو شهریه جا زده و یک‌جا دریافت می‌کردند.

حق اجبار ندارند. اگر اجبار باشد برخورد می‌کنیم. مردم اینها را به ما گزارش کنند. به جز شهریه، در هیچ نوع خدمات دیگری حق اجبار وجود ندارد و باید با اختیار مردم و داوطلبانه باشد.

آموزش‌وپرورش سیرجان برای سال ۹۸ چه میزان اعتبار گرفته است؟

اعتبارات متفاوت است. یک بخشش که حقوق و دستمزد است که هر ماه پرداخت می‌شود. یک بخشش اضافه کار و ساعت حق‌التدریس است که در ماه حول و حوش ۶ هزار ساعت است. یک اعتباری مخصوص مدارس شبانه‌روزی است، یک اعتباری مخصوص تعمیرات و تجهیزات است، یک بخشی مربوط به سرانه مدارس است و...

این اعتبارات در مجموع چقدر است؟

خُب این‌ها متفاوت است. واقعیت امر این است که به‌جز حقوق و دستمزد، میزان اعتبارات بقیه بسیار ناچیز بوده است. مثلاً در سرانه‌ها واقعا رقمی نداشتیم. سال قبل در تعمیرات و تجهیزات اعتبار خوبی داشتیم اما نمی‌دانیم امسال چقدر تخصیص داده شود. بعضی وقت ها آن اعتباری که در نظر می‌گیرند، اعتبار خوبی است ولی تا آخر سال می‌بینی که فقط ۱۰ یا ۲۰ درصدش تخصیص پیدا می‌کند یا بعضی وقت‌ها اعتباراتی هست که در طول سال حتا یک ریال هم تخصیص پیدا نمی‌کند. واقعیت امر این است که این‌ها ناچیز هستند و در حدی که جوابگوی بخش ناچیزی از نیازهای مدارس هم باشند، نیستند.

گویا تمایلی برای اعلام رقم ندارید؟

واقعا الان رقم‌هایش را ندارم چون متفاوت هستند. در ماه‌های مختلف، متفاوت است.

برگردیم به بحث مبالغی که مدارس از دانش‌آموزان می‌گیرند. هزینه کتاب چقدر است؟

در هر پایه‌ای و هر رشته‌ای متفاوت است. مثلا پایه اول با دوم تا ششم متفاوت است. در متوسطه، براساس پایه‌ها و در هنرستان‌ها براساس رشته متفاوت است.

مثلا در ابتدایی به ۷۰ هزار تومان می‌رسد؟

خیر. مدارس نمی‌توانند به‌عنوان کتاب چنین هزینه‌ای را بگیرند. شماره تلفن والدین باید در سامانه مدرسه ثبت شود. پولی که به عنوان کتاب واریز می‌شود از خود وزارتخانه، برای هر خانواده پیامک می‌آید که فلان مبلغ بابت پول کتاب از شما دریافت شد.

اما برخی از مدارس سال گذشته ابتدا رقمی بابت پول کتاب دریافت کردند و چند ماه بعد اعلام کردند به دلیل بالا رفتن هزینه کاغذ و چاپ، باید مبلغ دیگری پرداخت شود.

نه، چنین چیزی نبوده ولی مثلا بعضی وقت‌ها در مدارس فنی هزینه کتاب‌ها بالا است. اگر موردی بوده ما پیگیری می‌کنیم

نسبت استاندارد معلم به دانش‌آموز چقدر است؟

استانداردی در این قضیه تعریف نشده است. حداکثر کلاس ما ۳۶ نفر است. از این تعداد نباید تجاوز کند.

اگر بیشتر شود چه؟

باید به سمت تقسیم کلاس برویم ولی به علت کمبود نیروی انسانی، خود اداره کل آموزش‌وپرورش اجازه می‌دهد از ۴۰ نفر به بالا کلاس دو قسمت شود.

گفتید اجازه می‌دهد؟ یعنی اختیاری است و ممکن است انجام نشود؟

ما معمولا نمی‌گذاریم کلاس به بالای ۴۰ نفر افزایش پیدا کند.

این قانون برای مدارس دولتی و غیردولتی فرق دارد؟

نه، فرقی نمی‌کند. آن‌ها هم نباید افزایش دهند. یا باید کلاس دو قسمت شود یا بالای ۴۰ نفر را ثبت‌نام نمی‌کنیم و به مدارس همجوار ارجاع می‌دهیم که جمعیت‌شان کم‌تر است.

برخی از مدارس غیردولتی ارجاع نمی‌دهند، ترجیح می‌دهند خودشان بگیرند تا پول بیشتری کسب کنند.

بله. ما پارسال ۳،۲ مورد داشتیم که بررسی کردیم. این مسایل موردی ممکن است رخ دهد. خیلی معدود بوده که به مرز ۴۰ نفر رسیده‌ند چون خانواده ها ناراضی می‌شوند و ترجیح می‌دهند بچه‌های‌شان را در این کلاس ها نگذارد.

پایگاه خبر تحلیلی معلمان ایران آماری ارایه داده که نسبت معلم به دانش‌آموز در ایران یک به ۲۲ است، در ابتدایی یک به ۲۶ نفر، در متوسطه اول یک به ۱۶ نفر و در متوسطه دوم ۱ به ۱۷ نفر است. پس نتیجه می‌گیریم سیرجان خیلی از استانداردهای کشوری دور است.

نه، ما گفتیم بالاترین کلاس این‌قدر است. آن میانگینی است که توی کشور اعلام کردند. شما این را در نظر بگیرید ما توی شهرستان سیرجان کلاس ۳۵ نفره داریم اما کلاس چهار نفره هم داریم. اتفاقا میانگین ما هم از این بالاتر نمی‌شود.

این نسبت در سیرجان چگونه است؟

میانگین کلاس‌های ما در ابتدایی حول و حوش ۲۵ و در متوسطه حول و حوش ۱۷ است.

دولتی و غیردولتی؟

دولتی و غیردولتی جدا است. وقتی استاندارد معلم را می‌گوییم، منظور بخش دولتی است. مدرسه‌های دولتی ۲۵ نفره است. متوسطه دوم نظری هم همین حول و حوش است. فنی ما خیلی پایین‌تر است؛ حول و حوش ۱۰ تا نفر ۱۳ است. متوسطه اول ما، مقطع راهنمایی هم همین دور و بر ۲۵، ۲۶ نفر است. مدرسه روستای با چهار یا پنج دانش‌آموز هم داریم ولی وقتی میانگین را نگاه می‌کنیم، همان می‌شود ولی تعادل و توازن نیست. چرا؟ چون مجبوریم توی آن روستایی که کل دانش‌آموزانش پنج نفر هم هستند، سرویس بدهیم تا تعطیل نشود.

سیرجان چه تعداد معلم کم دارد؟

سال گذشته حدود ۲۰۰ معلم کم داشتیم که حق‌التدریس می‌پرداختیم. امسال هم تعدادی بازنشسته می‌شوند و تعدادی هم ورودی داریم. پیش‌بینی ما این است که امسال چیزی حدود ۱۰۰ نفر ورودی داشته باشیم. بنابراین پیش‌بینی نهایی ما این است که برای مهر امسال حدود ۳۰۰ نفر نیروی انسانی کم داریم.

اعلام شده امسال نزدیک به ۶۰ هزار نفر معلم در کشور استخدام می‌شوند. به سیرجان هم معلم اختصاص می‌یابد؟

صددرصد. ما در استان جزو شهرهایی هستیم که بیشترین کمبود را داریم.

اخیرا این گفته مطرح شده که یک گروه یا تشکل غیررسمی در کشور، سعی می‌کنند به مدارس دولتی رسیدگی نشود تا دانش‌آموزان به سمت مدارس خصوصی بروند.

ببینید، این حرف، حرف درستی نیست. شما سراغ رؤسای بقیه ادارات دولتی هم که بروید با مشکل کمبود اعتبارات مواجه هستند؛ آن جا که دیگر مدرسه غیردولتی نیست. واقعیت امر این است که آموزش‌وپرورش دومین دستگاه در کشور است که بیشترین اعتبار دولتی را می‌گیرد اما خوب ۹۸/۲ (نود و هشت ممیز دو) درصد از اعتباراتش شامل حقوق و دستمزد است. هم هرچه که اعتبارات آموزش و پرورش را هر سال افزایش می‌دهند، از آن طرف حقوق و مزایا هم به همان نسبت افزایش پیدا می‌کند. یک بخشی از اعتبارات آموزش‌وپرورش هم توی ساخت‌وساز مدارس هزینه می‌شود. واقعیتش این است به علت این که دستگاه آموزش‌وپرورش بزرگ است و دامنه کاری‌اش زیاد است، همیشه با کمبود اعتبارات مواجه بوده، بنابراین آن حرف، دیگر یک حرف منطقی نیست. بعد هم توی سیرجان مدرسه غیردولتی داریم اما جنوب استان یا خیلی از استان‌های محروم که اصلا مدرسه غیردولتی ندارند.

اکران فیلم مستند میدان جوانان سابق در سینما هنر و تجربه سیرجان

روزنامه‌ها کار احزاب را انجام می‌دادند

حسین اطمینان

«میدان جوانان (سابق)» نام مستندی است که به شکوفایی روزنامه‌نگاری در دوران معاصر و بعد از روی کار آمدن دولت سیدمحمد خاتمی می‌پردازد. ماجرا از آنجا آغاز می‌شود که مینا اکبری خبرنگار سابق روزنامه‌های جامعه، اعتماد و... که حالا به سن ۴۰ سالگی رسیده از دنیای روزنامه‌نگاری خداحافظی می‌کند. او در حال مرور خاطرات گذشته و ورق زدن آرشیو روزنامه جامعه در سال ۷۶ چشمش به عکس روی جلد شماره‌ای از این نشریه می‌افتد. جرقه‌ای در ذهنش زده می‌شود. سردبیر و خبرنگاران روزنامه جامعه این عکس را در میدان جوانان سابق که حالا به نام میدان دکتر کاظم معتمدنژاد یکی از اساتید روزنامه‌نگاری نامگذاری شده به یادگار گرفته‌اند. در این عکس ۷۲ نفر از روزنامه‌نگاران نام‌آشنا و خبرنگاران تازه‌کار به چشم می‌خورد. ماشالله شمس‌الواعظین در مرکز عکس دیده می‌شود و بقیه اطراف او ایستاده‌اند. عکاس این عکس هم عباس کوثری است. این عکس ایده‌ی ساخت یک مستند را در ذهن مینا اکبری کلید می‌زند. او به دنبال این ۷۲ نفر می‌رود تا از وضعیت کنونی آنها مطلع شود. این مستند در حین پیدا کردن این ۷۲ نفر روند شکوفایی روزنامه‌نگاری در دهه‌ی هفتاد را هم مرور می‌کند. اما سرگذشت این روزنامه‌نگاران که روزگاری پرتیراژترین روزنامه‌های کشور را منتشر می‌کردند بسیار جالب و ناراحت‌کننده است. از این تعداد روزنامه‌نگار تنها هفت، هشت نفرشان هم اکنون روزنامه‌نگارند و مابقی یا از این عرصه کنار کشیده‌اند، یا در زندان هستند و یا زندگی در خارج از ایران را انتخاب کرده‌اند. اکبری با کسانی که در ایران هستند و امکان دسترسی به آنها وجود دارد به گفت‌وگو می‌نشیند. مهم‌ترین بخش از گفت‌وگوهای او به احمد غلامی سردبیر کنونی روزنامه شرق، ماشالله شمس‌الواعظین که در روستا زندگی می‌کند و به کشاورزی مشغول است و نیوشا توکلیان عکاس نشریه‌های خارجی اختصاص دارد.

نیوشا توکلیان از روزنه‌ای صحبت می‌کرد که در زمان اصلاحات در جامعه باز شده و روزنامه‌نگاران از این روزنه راضی بودند: «درون یک چهار دیواری بتنی قرار داشتیم و اصلاحات برای ما یک روزنه خیلی خیلی کوچک بود.»

توکلیان از عکس‌هایی که گرفته بود حرف زد و از اینکه نمی‌تواند برخی از آنها را جایی منتشر کند. او تاکنون دوبار ممنوع‌الکار شده و باز هم هراس این را داشت که این مشکل دامنگیرش شود.

اما صحبت‌های احمد غلامی که هم اکنون هم در فضای روزنامه‌نگاری ایران حضور دارد جالب بود. او معتقد است روزنامه‌نگاری در زمان اصلاحات با جسارت زیادی همراه بود و بعد از آن در زمان احمدی‌نژاد از میزان جسارت کاسته شد و هم اکنون به انفعالی رسیده که که فقط برای حفظ شرایط موجود روزنامه‌نگاری می‌کنند

دسترسی به ماشالله شمس‌الواعظین برای مینا اکبری کمی سخت بود او چندصد کیلومتر راه را با ماشین طی کرد تا به باغ - ویلای این روزنامه‌نگار باتجربه برسد. بیشترین بخش فیلم هم به مرور خاطرات و گفت‌وگو با شمس‌الواعظین گذشت. این مرد ناخدای کشتی ما بود و حالا وسط کویر چه می‌کند؟

مینا اکبری پس از دیدن شمس‌الواعظین خاطره‌ای از اولین توقیف نشریه جامعه بازگو کرد که بعد از جلسه دادگاه شمس‌الواعظین وسط تحریریه بچه‌ها را جمع کرده و گفته با دفاعی که ما کردیم غیرممکن است که توقیف شویم اما همان موقع فکس آمده که جامعه توقیف شده. او این را گفت و رو به شمس‌الواعظین گفت: شما خشک‌تان زده بود و تکان نمی‌خوردید. شمس‌الواعظین هم گفت: ما می‌خواستیم کار حرفه‌ای بکنیم در فضایی که باز شده بود. به همین سادگی.

شمس در پاسخ به این سؤال که چه کسی کار شما را خراب کرد، گفت: ما آسیب از هم حرفه‌ای‌های‌مان دیدیم که دو تصور داشتند؛ یکی بنگاه اقتصادی سودآور هستند و دوم اینکه بنگاه اعمال فشار سیاسی در حوزه حریف هستند. ولی وقتی کثرت آتشبارهای یک جبهه زیاد دیده شود، حریف می‌ترسد. تصورشان این است که بعد از آن اشغال صورت می‌گیرد. من می‌گفتم اوضاع دارد نگران‌کننده می‌شود. در یکی از بازجویی‌هایم، بازجو می‌گفت: نظام سیاسی ایران اگر عاقل باشد به روزنامه جامعه نیاز دارد ولی مشکل ما با شما این است که مثل ماهی هستید و در دست نمی‌آیید. من هم می‌گفتم شما یک میدان مین دارید که نقشه این میدان مین را به ما نمی‌دهید و دست خودتان است.

عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

در همین حال صحنه‌ای از رفع پلمب روزنامه جامعه نشان داده می‌شود که دفتر شبیه یک جای متروکه شده است و شمس‌الواعظین با دیدن این فیلم منقلب می‌شود و بغض می‌کند. شمس که از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران هم محروم است در پاسخ به این سوال که چرا انجمن صنفی را تعطیل کردند، می‌گوید: همه‌ی نهادهای تحت اختیار اصلاح‌طلبان هدف قرار گرفت. اما سوال مهمی که در این فیلم مطرح شد و یک نقد جدی بر عملکرد اصلاح‌طلبان است این بود که آیا در آن زمان روزنامه‌ها کار احزاب را انجام می‌دادند؟ که شمس‌الواعظین این موضوع را پذیرفت و گفت: این تحلیل کاملا درست است.

او در جایی به زندان رفتنش اشاره کرد و گفت: من ۱۲۴ روز در انفرادی قرار داشتم. من نرده‌های روزنامه‌نگاری را در افق باز برداشته‌ام و دنبال آزادی مطبوعات بدون نرده می‌گردم. او به توقیف ۲۵ نشریه در ۴۸ ساعت در زمان اصلاحات هم اشاره کرد و از آن با تاسف یاد کرد؛ «من رفتم کنار آقای خاتمی و گفتم دولت شما از رحم یک دولت توسعه‌گرا متولد شد و من نگرانی دارم در رحم شما نطفه یک دولت و یک الگوی تمام توتالیتر بسته می‌شود و یک دولت مثل احمدی‌نژاد بیرون آمد.» این پیشکسوت مطبوعات در مورد کشاورزی و باغداری هم گفت: «برای دوران گذار و فاصله گرفتن از کار اصلی خوب است اما من شب‌ها هنوز خواب تحریریه می‌بینم.» در انتهای این مستند بازسازی همان عکس انجام شد ولی این بار ده نفر از آدم‌های آن روز حضور داشتند.

در ادامه روزنامه‌نگاران دیدگاه خود را در مورد فیلم عنوان کردند. حسین اطمینان گفت: کاش از این فیلم بیشتر استقبال می‌شد. این مستند از نظر فرم و محتوا قابل بحث است. نکته جالب در مورد این فیلم اینکه فرم آن شبیه گزارش روزنامه‌نگاری بود و حتی میان‌تیتر داشت و این روایت گزارش‌گونه جذاب بود. من با فیلم همزادپنداری کردم. اینکه ما دچار خودسانسوری شدید شدیم و در دیوار بتنی گیر افتادیم و روزنه‌ای نیست. به گفته‌ی اطمینان؛ موضوع بعد سرگذشت غمناک آقای شمس‌الواعظین بود. اینکه روزنامه‌نگاری به این بزرگی، سردبیر روزنامه‌های بزرگی در ایران، کشاورز می‌شود و باغداری می‌کند و از حقوق اولیه‌اش که کار کردن و خارج از کشور رفتن است محروم می‌شود، جای تاسف دارد. موضوع بعد اینکه برای روزنامه‌نگاران چه اتفاقی می‌افتد که همه‌ی آنها حس مشترک ناامیدی داشتند و این موضوع در همه‌ی ما هم رسوخ کرده است. اطمینان ادامه داد: اینکه از ۷۲ نفر روزنامه‌نگار سال ۷۶ فقط ده نفرشان در این حرفه مانده‌اند، ناراحت‌کننده بود. این‌ها وزنه‌های مطبوعاتی کشور بودند که یا از کشور رفته‌اند و یا شغل دیگری را انتخاب کرده‌اند.

ابوذر خواجویی هم گفت: کاش از خانم مینا اکبری دعوت کنیم به سیرجان بیاید. ما به سینمای هنر و تجربه نیاز داشتیم و امیدواریم پایدار بماند. کاش صدای سینما بهتر بود. خانم اکبری در این مستند به شکست‌هایی که روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب داشته‌اند اشاره کرده است. دقیقا دنبال کسانی رفته بود که شکست خورده‌اند. بخش مهمی که در این فیلم اشاره شد روایت زندگی خانم توکلیان بود که بر خودسانسوری در مطبوعات ایران تاکید داشت. به گفته‌ی خواجویی وجه ژورنالیستی این مستند غالب بود و دوران اصلاحات به خوبی نقد شده بود. رخدادهایی نقد شده بود که بر مطبوعات تاثیر گذاشته بودند.

امیرحسین طاهری دیگر روزنامه‌نگاری بود که صحبت کرد. او که در آن زمان دانشجوی و از نزدیک شاهد بوده گفت: یک اتفاقی افتاد و حسرتش به دل ما ماند و این اتفاق جوش خوردن روزنامه با روز مردم بود. بسیاری از مردم مخصوصا قشر دانشجو هر روزشان را با روزنامه شروع می‌کردند. در یک اتاق خوابگاه ده نفری هر ده نفر روزنامه می‌خریدند و بعضی وقت‌ها یک روزنامه را چند نفر می‌خریدند. همه از ساعت شش، هفت عصر تا ساعت یک، دو روزنامه می‌خواندند. این موضوع مخصوص قشر روشنفکر و و روزنامه‌نگار نبود. آن بهاری که در اجتماع احساس می‌شد همه را به میزانی از انرژی رسانده بود که فکر می‌کردند در این سطور می‌توانند خودشان را پیدا کنند. به گفته‌ی طاهری خیلی از مسایل فلسفی و اجتماعی بعد از سال‌ها به روزنامه‌ها برگشت. اندیشمندان ما در روزنامه‌ها مطلب نوشتند و چهره‌های خاص روزنامه‌نگاری پیدا شدند. شاید رکبی که روزنامه‌نگاری خورد این بود که روزنامه‌نگاری به یک اهرم فشار برای گروه‌های سیاسی تبدیل شد. این موضوع روزنامه‌ها را تبدیل به قربانی کرد که در دعواهای جناح‌ها بودند. وی گفت: آن موقع من در سرویس فرهنگ و هنر ایسنا بودم و هر چند روز یک بار یک مجلس عزاداری داشتیم. هر روزنامه‌ای که تعطیل می‌شد هجوم روزنامه‌نگاران بیکار شده به آنجا را شاهد بودیم. نیروهای متخصصی هم بودند. در حیاط آنجا جمع می‌شدند و گریه می‌کردند. امید و عشق از بین رفته بود.

اگر حامی نداشته باشیم نمی‌توانیم دوام بیاوریم

پاسارگاد: اگر از سینمای هنر و تجربه حمایت نشود این بخش قادر به ادامه کار خود در سیرجان نیست. این موضوع را رضا سیوند نماینده سینمای هنر و تجربه در سیرجان عنوان کرد و افزود: سینمای هنر و تجربه سال قبل با اکران دو فیلم در سیرجان آغاز به کار کرد. البته این فیلم‌ها از نمایندگی کرمان مجوز پخش در سیرجان گرفتند و سیرجان نمایندگی رسمی نداشت. وی ادامه داد: فیلم‌های هنر و تجربه ارزش هنری بالایی دارند و این موضوع مرا به فکر اکران مجدد فیلم‌های این بخش از سینمای ایران انداخت. با رایزنی همکلاسی‌هایم در تهران و مشورت دوستان هنرمند متوجه شدم که می‌توانم به عنوان نماینده هنر و تجربه در سیرجان فعالیت کنم. از ارشاد معرفی‌نامه گرفتم و همراه با رزومه آموزشی‌ام به بخش سینمای هنر و تجربه فرستادم. سیوند ادامه داد: آقای صانعی رییس سینمای هنر و تجربه با بستن قرار داد تا پایان سال جاری موافقت کردند و اگر مخاطب داشته باشیم این قرارداد تمدید می‌شود. وی در مورد فروش بلیط هم گفت: فروش حاصل از بلیط به صورت پنجاه درصد به سالن سینما و مابقی آن به حساب هنر و تجربه واریز می‌شود. وی افزود: با یکی دو اسپانسر قبلا توافق کرده بودیم که حداقل حمایت مادی داشته باشند ولی الان هیچ حمایتی نمی‌شود. الان یکسری هزینه‌های پیش‌بینی نشده به‌وجود آمده که باید فکری برای آنها کرد. سیوند ادامه داد: اگر حامی نداشته باشیم بعید می‌دانم بیشتر از سه چهار اکران دیگر دوام بیاوریم. به گفته‌ی وی سینمای هنر و تجربه بقیه شهرستان‌ها از عوامل فیلم دعوت می‌کنند، جلسه نقد می‌گذارند و حتی شهرداری‌ها در تبلیغات محیطی و... حمایت می‌کنند. وی ادامه داد سالن سینما هزینه‌های سرسام‌آوری دارد و ارشاد هم نمی‌تواند سالن را مجانی در اختیار ما بگذارد. حتما باید مخاطب به سینما بیاید تا جان بگیرد. سینما یکی از مؤلفه‌های فرهنگ یک شهر محسوب می‌شود. شهر سیرجان از لحاظ اقتصادی وضعیت خوبی دارد و باید این رشد در حوزه فرهنگ هم نمود داشته باشد. وی همچنین از اکران دوباره فیلم مستند قاضی و مرگ خبر داد. سیوند گفت: این فیلم روایتی از زندگی واقعی قاضی نورالله عزیزمحمدی است. عمده شهرت این قاضی به تعداد صدور حکم‌هایی برمی‌گردد که طی ۴۵ سال فعالیت در دستگاه قضا صادر کرده است. عزیز محمدی که ۱۱ سال در سیرجان قضاوت کرده نزدیک به چهار هزار حکم اعدام صادر کرده است.